

جایگاه چارچوب نظری و مفهومی در پژوهش

یکی از پرسش های پرتکرار دانشجویانی که علاقه مند به انتشار مقالات علمی هستند، این است که «چارچوب نظری» در تحقیق چیست؟ آیا مترادف با «چارچوب مفهومی» است؟ آیا وجود آن در پژوهش ضروریست؟ آیا باید بخش مستقلی از مقاله را به معرفی این مفهوم اختصاص داد؟ معمولاً هم این پرسش زمانی برایشان مطرح می شود که داوران نسخه نخست مقاله آنان را بررسی کرده اند و از فقدان چارچوب نظری یا ابهام در تبیین آن ایراد گرفته اند.

در پاسخ باید گفت چارچوب نظری (Theoretical Framework) یا چارچوب مفهومی (Conceptual Framework) – که کم و بیش مترادفند – همچون دریچه است که محقق از آن منظر به پدیده مورد بررسی نگاه می کند. وجود کلمه چارچوب (Framework) در این ترکیب برگرفته از همین واقعیت است. گویی محقق در ابتدای مطالعه خود، لنز مشخصی را انتخاب کرده و بر اساس آن به پدیده مورد نظر می نگرد و بر اساس آن داوری می کند. بر این اساس، به آن «چارچوب مرجع» (Frame of Reference) نیز می گویند. گاهی این لنز یک نظریه (Theory) مشخص و گاه مجموعه ای از نظریه های به هم مرتبط است که یک گفتمان علمی (Scientific Discourse) را می سازد.

شاید بهتر باشد با ذکر یک مثال این موضوع را تبیین کنم. تصور کنید دانشجویی می خواهد وجه یا وجوهی از مفهوم «سرمایه اجتماعی» را در جامعه ای بررسی کند. سرمایه اجتماعی موضوعی است که ابتدا در جامعه شناسی مطرح شد، اما به سرعت در مطالعات بسیاری از رشته ها – نظیر علم اطلاعات و دانش شناسی – مبنای مطالعات مستقلی قرار گرفت. (مثل، نوروزی، ۱۳۹۱). مثلاً محقق می خواهد عوامل موثر بر ساخت این سرمایه، یا عوامل بازدارنده ایجاد آن، یا نگاه و نگرش جامعه را به آن بسنجد. نکته نخست این است که به محض آنکه او تصمیم می گیرد مفهومی به نام «سرمایه اجتماعی» را به عنوان محور کانونی تحقیق خود برگزیند، خواسته یا ناخواسته از چارچوبی نظری استفاده کرده است. زیرا سرمایه اجتماعی مفهومی است که تعریفی مشخص دارد و در کنار سایر انواع سرمایه ها مطرح می شود. سرمایه ای نامرئی، ولی بسیار ارزشمند و پرقدرت، که طرح و تعریف آن در متون علمی به آثار محققانی مثل پیر بوردیو – جامعه شناس شهیر فرانسوی – باز می گردد. بوردیو معتقد است آنچه جوامع انسانی را می سازد، نه فرد است و نه گروه های افراد، بلکه نوع و ماهیت مناسبات و ارتباطات میان

آنهاست که جامعه را شکل می دهد و به آن سامان می بخشد. اگر این مناسبات بر بنیاد اعتماد، احترام متقابل و همدلی استوار باشد، آنگاه سرمایه ای در جامعه پدیدار می شود که منشاء بسیاری از دستاوردهای ارزشمند از جمله افزایش امنیت اجتماعی و رفاه عمومی خواهد بود. اگر شوربختانه جای اعتماد را بی اعتمادی و جای همدلی را بی تفاوتی بگیرد، آنگاه سرمایه اجتماعی افول می کند و پیامدهای خود را - که متأسفانه معمولاً با افزایش خشونت همراه است - به دنبال خواهد داشت.

بنابراین، انتخاب یک مفهوم به عنوان مبانی تحقیق نخستین گام در این زمینه است. دلیلش هم روشن است. زیرا وقتی من به عنوان محقق تعریفی مثل سرمایه اجتماعی در ذهن دارم، زمانی که به مناسبات و تعاملات اجتماعی نگاه می کنم، بخشی از تحلیل من از آنچه رخ می دهد مبتنی بر همین تعریف است. مثلاً اگر در خیابان شاهد نزاع و درگیری خشونت بار دو راننده باشم که پس از تصادفی جزئی با یکدیگر این روش را بر حل مسأله به وجود آمده انتخاب کرده اند، بروز این رخداد را نشانه ای از کاستی در سرمایه اجتماعی تلقی خواهم کرد. در مقابل اگر همین دو راننده ماشین های خود را از مسیر تردد مردم خارج کنند و در جستجوی راهکاری معقول و منطقی برای حل این مسأله باشند، آن را شاخصی از رشد سرمایه اجتماعی خواهم دانست.

بر این اساس، تفسیر من از یک رخداد از منظر و دریچه ای مشخص شکل گرفته و این همان چارچوب نظری است. گاهی نیز مجموعه ای از نظریه هاست که مبنای تحلیل محقق قرار می گیرد. مثلاً همین که در علم اطلاعات و دانش شناسی ما رفتارهای کاربران را در خلال جستجو و بازیابی اطلاعات از منظر «نظریه های رفتار اطلاعاتی» بررسی می کنیم و به این باور رسیده ایم که می توان از مطالعه مجموعه کنش ها و واکنش های افراد در تعامل با منابع اطلاعاتی به الگوهای مشخص رسید، نیز یک چارچوب نظری است که محصول آن تا امروز تدوین نزدیک به یکصد نظریه ریز و درشت در این حوزه بوده که ۷۲ مورد از آنها در کتاب «نظریه های رفتار اطلاعاتی» به اختصار تشریح شده است (فیشر و دیگران، ۱۳۸۷).

در پاسخ به آخرین پرسشی که در ابتدای این یادداشت مطرح شد، باید عرض کنم که وجود چارچوب نظری در تحقیق اجتناب ناپذیر است. حتی اگر محقق به روشنی در مقاله و گزارش تحقیق خود به آن اشاره نکند، خواسته یا ناخواسته چارچوبی نظری داشته است. اما بازتاب آن ممکن است در بخش ها یا مراحل مختلف تحقیق نمود

پیدا کند. مثلاً چارچوب نظری ممکن است خود را در روش شناسی تحقیق نشان دهد. مثلاً محققانی که از رویکرد کیفی در پژوهش خود استفاده می کنند، مبانی گردآوری و تحلیل داده های این مطالعات را از پارادایم تفسیری گرفته اند که رابطه ای اعم و اخص با چارچوب نظری دارد. به همین دلیل در بعضی از منابع چارچوب نظری را به عنوان «چارچوب پارادایمی تحقیق» (Theoretical Paradigm of Research) نیز معرفی می کنند. البته فراموش نکنیم که پارادایم که مبنا هستی شناختی تحقیق را تعریف می کند چارچوب نظری را در بر می گیرد و از آن فراتر، یا به بیانی دیگر، وسیعتر و بنیادی تر است

در مجموع مهمترین کارکرد چارچوب نظری این است که به تحقیق جهت می بخشد و ذهن محقق را نسبت به وجوه مشخصی از پدیده مورد مطالعه یا بافتی که آن را احاطه کرده است، حساس و هشیار می سازد. به این ترتیب او در همان مراحل اولیه تحقیق چند گام نخست را به سرعت طی می کند. در نتیجه ضمن آنکه در وقت و انرژی محقق صرفه جویی خواهد شد، و پژوهش مورد نظر سامان و انسجام بیشتری خواهد داشت. البته انتخاب چارچوبی نظری مناسب برای هر پژوهش خود مهارتی است که باید محقق به آن مجهز باشد. به بیانی دیگر، باید پیوند مفهومی و معنایی مشخصی بین مسأله تحقیق، پرسش های محقق و چارچوب نظری برقرار باشد.

کارکرد دیگر چارچوب نظری پیوندی است که این مفهوم میان تحقیق ما با بدنه دانش موجود برقرار می سازد و بازتابی از ماهیت تجمعی و تراکمی دانش است. زیرا نشان می دهد که قرار نیست هر محقق چرخ را دوباره اختراع کند. زمانی که در یک حوزه موضوعی مشخص مجموعه ای از منابع معتبر و مستند وجود دارد - که بخشی از مسیر تحقیق را طی کرده اند - اکنون بهتر است پژوهش ما استمرار و ادامه این مسیر باشد. در غیر این صورت بازگشتی به دلیل به گذشته و پیمودن دوباره راهی رفته است.

آخرین نکته که باید به آن اشاره کنم، چگونگی انعکاس چارچوب نظری در پایان نامه یا مقاله است. برخی از مجلات بخش مشخصی را با این عنوان در دستورالعمل نگارش مقالات انتخاب کرده اند و نویسندگان موظفند به روشنی چارچوب نظری تحقیقشان را در این بخش تبیین کنند. اما در بسیاری از مجلات بخش معین و مجزایی برای این منظور پیش بینی نشده و فقط انتظار می رود که نویسندگان در جایی از مقاله - که معمولاً در مقدمه یا مرور پیشینه است - به این موضوع اشاره کنند. بنابراین، چارچوب نظری در تحقیق حضوری پنهان یا آشکار دارد، اما چگونگی تبیین آن در یک مقاله بیشتر به سلیقه سردبیر و هیئت تحریریه مجله وابسته است.

آنچه گفته شد، مختصری درباره این بحث بود، که فقط مقدمه ای کوتاه بر آن محسوب می شود. شما هم اگر تجربه ای از به کار بستن چارچوب نظری در تحقیقات خود، یا خاطره ای از واکنش مجلات نسبت به این موضوع دارید، لطفاً آن را در بخش نظرخواهی مرقوم فرمایید تا زمینه ای برای گفتگوی بیشتر در این حوزه باشد.

منابع

ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸) مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دشتی، محمد (۱۳۸۹) چارچوب نظری: زاویا و بایسته های آن. تاریخ در آئینه پژوهش. دوره ۷، ش. ۱، ۲۳-۴۹. فیشر، کارن؛ اردلز، ساندا؛ مک کچنی، لین (۱۳۸۷) نظریه های رفتار اطلاعاتی. ترجمه فیروزه زارع، محسن حاجی زین العابدینی، غلام حیدری، و لیلا مکتبی فرد. تهران: کتابدار.

نوروزی، معصومه (۱۳۹۱) « بررسی میزان تأثیر انجمن علمی کتابداری و اطلاع رسانی ایران در تشکیل و تقویت سرمایه های اجتماعی در جامعه کتابداران ». پایان نامه های کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی. تهران: دانشگاه خوارزمی.

منصوریان، یزدان. « جایگاه چارچوب نظری و مفهومی در پژوهش ». سخن هفته شماره ۱۵۵. ۱۳ آبان ۱۳۹۲.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق (فصل دوم پایان نامه)



برای فصل دوم، با عنوان "سابقه تاریخی، مبانی نظری، ادبیات پژوهش" نیاز به صرف وقت زیاد و کار بیشتری دارید. آن چه که قبلاً برای پیشنهاد پژوهش خود تهیه نموده اید پایه کار است.

ولی باید در حد گسترده ای توضیح یابد.

در بخش سابقه تاریخی، باید در مورد گذشته دور و نزدیک پدیده عنوان یا پدیده‌های موجود در عنوان تا قبل از زمان پژوهش خویش و بر اساس دوره‌های زمانی (از گذشته تا به حال) به ارائه سابقه امر بپردازد. ارائه مطالب باید همراه با استناد باشد تا مشخص گردد که این مطالب را از کجا گرفته‌اید.

در بخش مبانی نظری، به منظور روشن‌نگری مفاهیم نظری و هویت مفهوم، با برشمردن ویژگی‌ها و ابعاد آن، اقدام به ارائه این بخش می‌نمایید. بدین نحو که مفاهیم اصلی و بنیادی مربوط به پژوهش خود را مشخص نموده و با بهره‌گیری از آثار و نوشته‌های اندیشمندان و نویسندگان مختلف و حتماً با استناد و با رعایت نظم معقول، به توصیف و تشریح این مفاهیم در چارچوب علمی می‌پردازید. توجه داشته باشید که چارچوب نظری به طوری که از نام آن پیداست، با مفاهیمی که به نوعی با هم ارتباط مشترک دارند، اطلاق می‌شود.

فصل دوم با موضوع مرور پژوهش‌های مربوط در داخل و خارج از کشور خاتمه می‌یابد. در این قسمت باید مرور پژوهش‌ها را به انجام رسانید و به تفکیک درج نمایید. ابتدا پژوهش‌های داخل کشور و در ادامه پژوهش‌های خارج کشور را مطرح نمایید. دقت نمایید که مطالب براساس تاریخ انتشار و از جدید به قدیم تنظیم شوند. به عبارت دیگر، اولین پژوهش مطرح شده در هر قسمت داخل و خارج کشور، جدیدترین پژوهش خواهد بود.

به طور خلاصه فصل دوم با عنوان پیشینه یا ادبیات پژوهش شامل موارد زیر خواهد بود:

۱- مقدمه (حدود یک پارگراف)

۲- بررسی متون، نظریه‌ها و تاریخچه

۳- پژوهش‌های داخلی

۴- پژوهش‌های خارجی

منابع:

تدوین پایان نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی تألیف دکتر سید جمال الدین طبیبی و همکاران

مدیریت تراژمند مقالات با رویکرد از تدوین تا انتشار تألیف دکتر محمد آقایی و همکاران

دکتر محمدحسن حدادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی جلفا - گروه مدیریت بازرگانی

www.kenareh-gostare-aras.ir/

تدوین چارچوب نظری در پروپوزال و پایان نامه

۱- چارچوب نظری چیست؟ چارچوب نظری به مجموعه ای از گزاره ها اطلاق می شود که به لحاظ نظری قادر به تبیین یا طبقه بندی متغیر وابسته یا اصلی تحقیق هستند. این گزاره ها ممکن است از یک نظریه خاص گرفته شده باشند یا تلفیقی از نظریات مختلف باشند که همگرایی آنها به لحاظ نظری توسط محقق ثابت شده باشد.

۲- آیا آوردن چارچوب نظری در پروپوزال ضرورت دارد؟ در پاسخ باید گفت اولاً آوردن یا نیاوردن چارچوب نظری در یک پروپوزال بستگی به فرمت پروپوزال دارد. مسلماً در پروپوزالی که این بخش در آن تعبیه نشده است ضرورتی به انجام این کار نیست. بعضی از محققین نوپا گمان می کنند این کار مستلزم صرف هزینه بسیار بالایی برای نوشتن یک پروپوزال است، اما چنانچه با این همه زحمت و هزینه پروپوزال در بررسی و ارزیابی کمیته های تخصصی رد بشود تمامی زحمات آنها به هدر خواهد رفت. در نقد این مدعا باید گفت اولاً چارچوبی که برای یک موضوع طراحی شود به لحاظ تئوریک برای بسیاری از موضوعات مشابه قابل کاربست خواهد بود ثانیاً به فرض رد پروپوزال این نوع هزینه ها را باید جزء هزینه های کار پژوهش محسوب نمود. محققینی که به صورت منفرد (و نه در قالب یک سازمان یا موسسه پژوهشی) اقدام به تعریف پروپوزال می نمایند همواره با چنین خطراتی مواجه هستند. چاره کار در تعریف رازآمیز پروپوزالهای پژوهشی نیست بلکه برای کاهش چنین خطراتی باید در قالب موسسات پژوهشی اقدام به انجام پژوهش نمود.

۳- آیا طراحی چارچوب نظری برای یک تحقیق یا پایان نامه ضرورت دارد؟ در پاسخ باید گفت اگر نظرسنجی ها را از دایره شمول طرحهای پژوهشی و پایان نامه خارج کنیم بدون استثنا برای تمامی طرحهای پژوهشی طراحی چارچوب نظری ضرورت دارد. بنابر این اگر تحقیق یا پایان نامه ای قصد تبیین یا توصیف دقیق (طبقه بندی) یک موضوع را داشته باشد ضرورتاً باید از چارچوب نظری استفاده نماید. بی توجهی به چارچوب نظری در چنین مواقعی به معنای تکیه زدن به حدس و گمانهای سست و بی ریشه خویش در مواجهه با مساله است. شاید این جمله اخیر را حمل بر خود کمبینی پژوهشی بنمایید ولی واقعیت این است که در بسیاری از موضوعاتی که ما مشغول پژوهش در باره آنها هستیم تجربیات پژوهشی متعددی می توان یافت که مطالعه و خواندن آنها و نیز استفاده از نظریات مرتبط با آنها می تواند ما را از تکرار خطاها بی نیاز سازد. شاید طراحی چارچوب نظری را مانعی برای بروز خلاقیت و نبوغ خود پژوهشگر محسوب کنند در این حالت توصیه می شود محقق ابتدا تمام حدس و گمانهای شخصی خود را در ارتباط با مساله ارائه کند و آنگاه به دنبال تدوین چارچوب نظری باشد.

۴- چارچوب نظری چه فایده ای برای تحقیق دارد؟ استفاده از چارچوب نظری به معنای شراکت در تجربیات و خردورزی جمع کثیری از محققین و صاحبانظران در امر تحقیق است. فرض کنیم شما در حال انجام تحقیقی در باره مشارکت جوانان در تشکلهای دانشجویی در سطح دانشگاهها هستید. مراجعه به نظریاتی که در باره مشارکت (انواع و معیارهای آن) وجود دارد می تواند الگوی مناسبی به شما برای طراحی ابزار و نیز توصیف نتایج بدهد. اینکه شما چه سوالاتی برای سنجش مشارکت بپرسید نیاز به مبنای نظری دارد. برای ارائه گزارشتان نیز به مبنای نظری احتیاج دارید. مثلاً شما به چه دلیلی مشارکت دانشجویان را بر حسب رشته های تحصیلی آنان می خواهید گزارش کنید؟ چرا نتایج را به تفکیک جنس ارائه می کنید؟ تفاوتها یا مشابهت های مشارکت در طبقات رشته تحصیلی آیا جنسیت را با چه قرانتهی توضیح می دهید؟ همه اینها نیاز به چارچوب نظری روشن دارد. معمولاً در طرحهای پژوهشی که محقق قصد توصیف یا طبقه بندی موضوع تحقیق را دارد و نمی خواهد به چرایی آن بپردازد به

دکتر محمدحسن حدادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی جلفا - گروه مدیریت بازرگانی

www.kenareh-gostare-aras.ir/

جای اصطلاح چارچوب نظری از چارچوب مفهومی استفاده می کنند. چارچوب مفهومی نیز مجموعه ای گزاره های نظری است که صرفاً به تجزیه و طبقه بندی موضوع می پردازد.

فایده چارچوب نظری منحصر به سنجش یا طبقه بندی نتایج نیست. بلکه از آن مهمتر مربوط به تبیین موضوع است. تدوین چارچوب نظری در شرایطی که محقق قصد پاسخگویی به سوالات چارچوب را دارد بسیار ضروری است. به عنوان مثال شرایطی را در نظر بگیرید که محقق قصد دارد به عوامل موثر بر مشارکت دانشجویان در تشکلهای دانشجویی بپردازد. او چه فرضیاتی در این زمینه طرح خواهد نمود؟ منشاء این فرضیات از کجاست؟ اگر فرضیه را گزاره ای حاکی از رابطه دو یا چند متغیر در نظر بگیریم او چه مستنداتی برای ربط متغیرها یا متغیرهای مستقل به وابسته می تواند ارائه کند؟ او چند فرضیه باید برای تبیین موضوع ارائه کند؟ پاسخ این سوالات بر عهده چارچوب نظری است. محقق با تدوین چارچوب نظری پاسخی را که صاحب نظران به چرایی مساله تحقق داده اند به معرض آزمون می گذارد. من اعتقاد دارم هر نتیجه ای که دال بر وجود یا عدم رابطه بین دو متغیر باشد نیاز به پشتوانه نظری برای تفسیر دارد.

۵- **کدام چارچوب نظری برای موضوع تحقیق من مناسب است؟** این سوال بسیار مهم است. بعضی از محققین مخصوصاً در رشته علوم اجتماعی این سوال را به صورت چند گزینه ای مطرح می کنند! بدین نحو که کدام چارچوب مناسب است تضاد، کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین یا مبادله؟ به نظر می رسد این رویکرد به چارچوب نظری اشکال دارد. برای پیدا کردن چارچوب نظری مناسب ابتدا باید مساله تحقیق تان را انتزاع کنید. به عبارتی دقیقتر صورت زیرین مساله تان را کشف کنید. به عنوان مثال صورت زیرین مساله تقلب در یک تحقیق یا پایان نامه، چیزی جز انحراف یا کجروی نیست. لذا محقق برای تدوین چارچوب نظری مربوط به تقلب باید به نظریات مرتبط با کجروی مراجعه کند. در غیر اینصورت دست یابی به نظریه ای در باره تقلب عملاً غیرممکن است چرا که شان نظریه ایجاب می کند که به موضوعات کلی بپردازد تا مصادیق معین. یا در مثال فوق (مشارکت در تشکلهای دانشجویی) محقق می تواند مشارکت را جلوه ای از کنش داوطلبانه و اختیاری در نظر بگیرد و به نظریات مرتبط با عمل (نظیر نظریه اختیار عقلانه یا نظریه مبادله یا نظریه کنش پارسونز و ...) مراجعه کند.

۶- **چارچوبهای نظری عمده در علوم اجتماعی کدامند؟** در اینجا بهتر است به جای اینکه به نظریه خاصی اشاره کنم، موضوعات تحقیق در علوم اجتماعی را به صورت انتزاعی دسته بندی کنم. موضوعات پژوهشی در علوم اجتماعی را می توان در حالت انتزاعی به دسته های زیر تقسیم کرد:

الف- تحقیقاتی که به بررسی عمل می پردازند.

ب- تحقیقاتی که به بررسی احساس می پردازند.

ج- موضوعاتی که به بررسی شناخت و آگاهی می پردازند.

تحقیقات فوق در سطح خرد انجام می شوند.

د- تحقیقاتی که به بررسی ارزشها و هنجارها می پردازند.

ه- تحقیقاتی که به بررسی نظم و انسجام می پردازند.

و- تحقیقاتی که به بررسی تضاد و تغییر می پردازند.

دکتر محمدحسن حدادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی جلفا - گروه مدیریت بازرگانی

www.kenareh-gostare-aras.ir/

ز- تحقیقاتی که به سنجش عملکرد می پردازند.

این سه دسته اخیر تحقیقاتی هستند که در سطح کلان انجام می شوند. برای انتخاب یک چارچوب نظری مناسب مهم این است که محقق مشخص نماید موضوع منتخب او با کدامیک از این دسته ها تناسب دارد. در این حالت تدوین چارچوب نظری ساده تر خواهد شد.

۷- در تدوین چارچوب نظری از چند نظریه استفاده کنم؟ برای پاسخ به این سوال باید بین پایان نامه ها و نیز تحقیقاتی که برای سازمانهای مختلف انجام می شود تفاوت قائل بشویم. در پایان نامه ها هدف آن است که دانشجو به استادان راهنما، مشاور و ناظر نشان دهد که تحقیق کردن را می داند و واجد مهارتهای مربوطه می باشد. لذا استفاده از یک نظریه (مخصوصا در دوره کارشناسی) و دو یا سه نظریه رقیب (در دوره کارشناسی ارشد) کفایت می کند. اما در تحقیقات کارفرمایی، سفارش دهنده تحقیق کاری به تعداد نظریه ها ندارد. او انتظار دارد محقق تا جاییکه امکان دارد پاسخ قانع کننده ای در باره چرایی مساله بدهد و درصد بیشتری از تغییرات آن را توضیح دهد. لذا بدیهی است که حدّ و مرزی برای آن قائل نشود.

۸- همگرایی یا واگرایی نظریات در چارچوب نظری چه معنایی دارد؟ در مواقعی که محقق از بیش از یک نظریه برای تدوین چارچوب نظری استفاده می کند باید وجوه تشابه و تمایز نظریه های مختلف را مشخص نماید. او باید به این سوال پاسخ دهد که آیا نظریات مورد نظر وی مکمل یکدیگرند یا رقیب هم هستند و پذیرش یکی مستلزم طرد دیگری است.

source: iranresearches

<http://1daneshgah.ir/the-theoretical-framework-of-the-paper-and-thesis/>